

030665

1224 SHUKUROV, Rustam. The campaign of *Shaykh*  
Djunayd Şafawī against Trebizond (1456 AD / 860  
H). *Byzantine and Modern Greek Studies*, 17 (1993)  
pp.127-140

Cüneyd-i  
Şafavî

MADE YAYIMLANMIŞTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

4 KASIM 1993

030665

1348 SHUKUROV, Rustam. The campaign of *Shaykh*  
Djunayd Şafawī against Trebizond (1456 AD / 860  
H). *Byzantine and Modern Greek Studies*, 17 (1993)  
pp.127-140

Cüneyd-i Şafavî

SONRA GELEN DOKÜMAN

4 KASIM 1993

## جنید

۲۰۹

است (<فرهنگ جغرافیائی جهان>). شهر دارای خانه‌های زیبا و کهن است و به شیوه خاصی ساخته شده و مسجد بزرگ آن مشهور است. در طول تاریخ، عالمان بسیاری در آنجا پرورش یافته‌اند [سعدی، ص ۱۶-۲۰]. این شهر امروزه هم در میان مسلمانان افریقا، جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از مراکز مهم علوم دینی است [سعدی، ج ۱، ص ۶۴۳] و در برخی مآخذ جدید، آن را شهر مقدس خوانده‌اند.

منابع: جان جوزف، الاسلام فی ممالک و امبراطوریت افریقا السوڈاء، ترجمه مختار سوئی، قاهره ۱۹۸۲/۱۴۰۴، ص ۸۴-۸۵؛ حسن ابراهیم حسن، انتشار الاسلام فی القارة الافریقية، قاهره ۱۹۸۴، ص ۲۱۷-۲۱۸؛ عبدالرحمان بن عبدالله سعدی، تاریخ السودان، چاپ هوداس، پاریس (۱۹۸۱)؛ احمد عطیة الله، القاموس الاسلامی، قاهره ۱۳۸۳/۱۹۶۳؛ نعیم قنّاح، افریقا الغربية فی ظل الاسلام، الجزیر [بی‌تا]، ص ۸۶؛ لوی آفریقایی، وصف افریقا، ترجمه عن الفرنسية محمد حجی و محمد اخضر، بیروت ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۳۰؛

P.B. Clarke, *West Africa and Islam*, Oxford 1985, vol.2, 43, 48, 53, 129, 177-178; *EL2*, s.v. "Dienné" (by R. Mauny); J. D. Fage, *A history of west Africa*, Cambridge 1969, 22, 30, 39; J.D. Fage and M. Verity, *An atlas of African history*, London 1978, map 11; M. Hiskete, *The development of Islam in west Africa*, London 1984, 13, 33, 129, 192, 246, 256, 321; *IA*, s.v. "Cenne" (by G. Yver); Pierr. Maas, "Djenné: living tradition", *Aramco world*, XLI/ 6 (1990), 18-29; idem, "Fishing in the Pondo", *ibid*, XLI/4 (1990) 23-31; Paul Robert, *Le Robert: dictionnaire universel des noms propres*, Paris 1987, vol.2, 903; J. Spencer Trimmingham, *A history of Islam in west Africa*, Oxford 1985, 31, 63-64, 77-78, 141, 179; idem, *Islam in west Africa*, Oxford 1959, 143, 191, 213; [*World gazetteer*. Online. Available: <http://www.world-gazetteer.com/wg.php?x...> 24 June 2006].

/ محمد آیکاج (د.د. ترک) /

**جنید**، چهارمین مرشد طریقت صفوی. تاریخ تولد او نامعلوم است. از شش پسر شیخ ابراهیم، مشهور به شیخ شاه، جنید کوچک‌ترین (و اینانج بزرگ‌ترین) آنها بود (پیرزاده زاهدی، ص ۶۵-۶۶؛ قس عالم‌آرای شاه اسماعیل، ص ۲۱-۲۲). جنید به وصیت پدرش، در ۸۵۱ مسند ارشاد را به دست آورد (امینی هروی، ص ۳۶؛ پیرزاده زاهدی، ص ۶۵). احتمالاً طبع جوان او

دو معاون، یعنی یک فرمانده (قائد) و یک خزانه‌دار (امین)، جنّه را اداره می‌کرد، اما، مردم جنّه به سبب ناراضیاتی از حکومت فاس، به جاهای دیگر مهاجرت کردند. در قرن دوازدهم/هجدهم، بمباره‌ها، که در سرزمین منده علیا به تدریج قدرت یافته بودند، به جنّه می‌تاختند و شهر را غارت و مردم را به پرداخت جزیه مجبور می‌کردند و حتی در زمان ینگولو دیارا<sup>۱</sup> (۱۱۸۰-۱۲۰۵/۱۷۶۶-۱۷۹۰) حاکمیت شهر را به دست گرفتند [سعدی، ص ۱۹۸۵، ص ۱۴۹].

در آغاز سده سیزدهم/نوزدهم، شیخ احمدو لُبُو<sup>۲</sup> در مزرعهای نزدیک جنّه سکونت گزید و به ترویج اسلام پرداخت (سعدی، ص ۱۹۸۵؛ اما، حکومت فاس، که از فعالیتهای او ناخشنود بود، وی را از آن سرزمین راند. او به ماسینا رفت و در آنجا نفوذ یافت و در مدتی کوتاه دعوت خویش را تا تمبوکتو و جنّه، که توده‌های مسلمان در آنجا فراوان بودند، اشاعه داد. احمدو لُبُو به درخواست مردم جنّه که از حکمرانان مسلط بر خود به تنگ آمده بودند - نمایندگانی به آن شهر فرستاد و حکومت خود را در آنجا هم تثبیت کرد؛ اما، پس از مدت کوتاهی، چون نمایندگان وی را کشتند، او نیز شهر را محاصره و تصرف کرد و گروهی از مردم را تبعید نمود. همچنین مسجدی را که سلطان کنبورو در قرن دوازدهم ساخته بود ویران کرد و به جای آن مسجد دیگری ساخت (۱۸۳۰/۱۲۴۶ [د. اسلام، همانجا]). احمدو لُبُو اداره شهر را، با نظارت یکی از مأموران خود، به رؤسای محلی سپرد و پادگانی در شهر دایر کرد. جنّه در ۱۲۷۹/۱۸۶۱ به تصرف فولانی<sup>۳</sup> ها - که حاج عمر تال آنان را رهبری می‌کرد - درآمد. در ۱۳۱۱/۱۸۹۳، نیروهای فرانسوی شهر را اشغال کردند و جنّه به خاک سودان پیوست. با استقلال جمهوری مالی در ۱۳۲۹ ش/ ۱۹۶۰، جنّه نیز جزو سرزمینهای مالی باقی ماند.

جنّه در دوره‌های گذشته، به دلیل آنکه در مسیر راه آبی و بر سر راه معادن طلای بی‌نهایت<sup>۴</sup> و لوبی<sup>۵</sup> و بوره<sup>۶</sup> واقع بود، اهمیت تجاری فراوانی داشت و تا پایان سده دهم/شانزدهم بسیار مرفه بود. از سده یازدهم/هفدهم تجارت برده در آنجا آغاز شد و، به ویژه به همین سبب، تا قرن سیزدهم/نوزدهم اهمیت تجاری خود را در مسیر افریقای شمالی حفظ کرد و همچنان شهری آباد و مرفه باقی ماند. اهمیت تجاری شهر، به تدریج به شهر موپتی<sup>۷</sup>، واقع در جلگه‌ای در ملتقای دو رود نیجر و بنی، منتقل شد. جنّه امروزه از مراکز تجاری درجه دو است [در سرشماری ۱۳۸۵ ش/ ۲۰۰۶، جمعیت شهر ۲۲'۸۵۲ تن بوده

1. Bambara

2. Ngolo Diara

3. Trimmingham

4. Lobbo

5. Bitou

6. Lobi

7. Boure

8. Mopti

مآخذ: بهنام، عیسی، «نقاشان شیراز، شیر جاویدان»، هنر و مردم، تهران، ۱۳۴۳ش، ش ۲۶؛ دوست محمد هروی، *حالات هنروران*، به کوشش محمد عبدالله جغتایی، لاهور، ۱۹۳۶م؛ سامی، علی، «همستگی مکتب هنری شیراز و تبریز»، هنر و مردم، تهران، ۱۳۵۴ش، س ۱۴، ش ۱۶۱، نیز:

Baer, E., *The Human Figure in Islamic Art*, Costa Mesa, 2004; Binyon, L. et al., *Persian Miniature Painting*, New York, 1971; Canby, Sh., *Persian Painting*, London, 1997; Fitzherbert, T., «Khwājū Kirmānī (689-753/1290-1352): An Eminence Grise of Fourteenth Century Persian Painting», *Iran*, London, 1991, vol. XXIX; Grabar, O., *Mostly Miniatures: An Introduction to Persian Painting*, Princeton/Oxford, 2002; Grube, E. and E. Sims, «Painting», *The Arts of Persia*, ed. R. W. Ferrier, New Haven/ London, 1989; Kühnel, E., «Book Painting», *A Survey of Persian Art*, ed. A. U. Pope, Tehran, 1977; Lentz, T. W. and G. D. Lowly, *Timur and the Princely Vision: (Persian Art and Culture in the Fifteenth Century)*, Washington, 1989; Martin, F.R., *The Miniature Painting and Painters of Persia, India and Turkey from the 8<sup>th</sup> to the 18<sup>th</sup> Century*, London, 1912; O'Kane, B., *Early Persian Painting*, London, 2003; Rieu, Ch., *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*, London, 1966; Roxburgh, D. J., *Prefacing the Image*, Leiden etc., 2001; Schroeder, E., «Ahmed Musa and Shams al-Din: A Review of Fourteenth Century Painting», *Ars Islamica*, 1939, vol. VI; Sims, E. et al., *Peerless Images, Persian Painting and its Sources*, New Haven/ London, 2002; Titey, N. M., *Miniatures from Persian Manuscripts*, London, 1977.  
 نریا افتخار

نوشته‌های متن اختصاص دارد، و جنید با استفاده از فضای بزرگ‌تر برای نقاشی، جزئیات دقیق و موشکافانه، فضای معماری و اشیاء تزئینی را به تصویر کشیده است؛ به طوری که پژوهشگران با توجه به آنها می‌توانند اشیاء و پوشاک آن دوره را که نمونه‌ای از آنها باقی نمانده، مورد بررسی قرار دهند (شردر، 119-120؛ بینین، همانجا؛ پتر، 31-32؛ گری، همانجا، نیز نک: 28).

نقاشی در برخی از مجلسها، تا حاشیه ادامه یافته است. در فضای داخل معماری، پیکره‌ها با قامتی کشیده، به تعداد زیاد، به تصویر درآمده، و برخلاف نقاشیهای پریکره، که دارای پوشاک متنوع و حرکت بدن هستند، در اینجا، چهره‌ها بسیار شبیه به هم و فاقد احساس کشیده شده‌اند، با این وجود با چهره‌های سرخ اوایل این سده متفاوت‌اند. جزئیات دقیق بنا، طاق، کاشی کاری و قالیها، با شکوه فراوان به اجرا درآمده‌اند. پیکره‌ها در برابر درهای باز و دیوارهایی که در پشت آنها قرار گرفته، فضای یکدست و مسطح را شکسته است و با قرار دادن نقطه دید در بالای بنا و ایجاد سطوح غیرهم‌سطح از پایین به بالا، نوعی پرسپکتیو را القا می‌کنند.

در طراحی منظره، پیکره‌های انسانی، کوچک‌تر و تابع منظره شده، و طراحی پرندگان و گیاهان، نزدیک‌تر به طبیعت به تصویر درآمده‌اند. افق در ترکیب‌بندی مناظر به شکل دایره است و نقاشیهای نسخه کلیله و دمنه را (استانبول، کتابخانه دانشگاه استانبول، F. 1422) (نک: ۵، د، ۸۸۷-۸۹) به یاد می‌آورد. درختان و صخره‌ها در پس‌زمینه قرار گرفته، و پرندگان در حال پرواز در حاشیه کشیده شده‌اند. درختان بومی ایران با نمونه‌هایی که پیش‌تر برگرفته از نقاشیهای چینی بود، متفاوت است.

در ترکیب‌بندی رنگها نیز، در فضای داخلی از رنگهای تند مانند سبز و سرخ استفاده شده، اما در منظره‌سازیه‌ها، رنگهای ملایم‌تری به کار رفته است، و در نهایت می‌توان گفت که راه را برای پیشرفت و تغییرات سده بعدی هموار ساخته است. نقاشیهای جنید ارتباط بسیاری با متن داستان داشته، و در بیان احساس و روح داستان موفقیت زیادی کسب کرده است (مارتین، نیز کونل، بینین، همانجا؛ گری، 51-52؛ کنبی، سپین، پتر، همانجا).

جنید جهشی بزرگ در نگارگری ایران به وجود آورد. او نه تنها در دوره خود نوآوری کرد، بلکه تأثیرش در نقاشیهای مکتب شیراز، و دوره‌های تیموری و صفوی نیز قابل مشاهده است. منظره‌سازی شیراز در سده بعد برگرفته از منظره‌های او ست، و عناصری که به عنوان عناصر شاخص نقاشی دوره تیموزیان شناخته می‌شود، نخست در نقاشیهای جنید دیده می‌شود (کونل، همانجا؛ گری، 52؛ کنبی، همانجا).

**جنید، شیخ (ح ۸۳۱ - مة ۸۶۴ ق / ۱۴۲۸-۱۴۶۰م)**، چهارمین نسل از اولاد شیخ صفی‌الدین اردبیلی در مسند ارشاد طریقت اردبیل، و کوچک‌ترین پسر شیخ ابراهیم مشهور به شیخ شاه (پیرزاده، ۶۵-۶۶؛ قس: III/242، JA، که اشتهاها بزرگ‌ترین پسر شیخ ابراهیم نامیده شده است).

از تاریخ ولادت شیخ جنید آگاهی از منابع به دست نمی‌آید، جز اینکه نویسنده ناشناخته عالم‌آرای شاه اسماعیل ضمن انتسابی نادرست - که جنید را پسر سلطان خواجه علی دانسته است - آورده که در ۲۰ سالگی بر جای پدر نشست (ص ۲۱). پذیرفتن چنین سنی برای جنید - که ظاهراً بنا بر وصیت پدرش شیخ ابراهیم به هنگام مرگ (۸۵۱ ق / ۱۴۴۷م) بر جای وی نشست (نک: جهانگشای ...، ۳۴) - چندان بعید نیست؛ چه، جنید در آغاز امر ارشادش و به هنگام گشت و گذار در آناتولی و مناطق مجاور آن، در مکاتبه با سلطان عثمانی، بسیج و تجهیز مریدان برای درگیریهای نظامی و اتحاد با پادشاه آق‌قویونلوها و سازمان دادن طریقت، نمایانگر کفایت و کاردانی او ست (نک: سیوری، در باب ...، ۱۴۲؛ تحقیقاتی ...، ۲۱۵).

نویسندگان و مورخان، منش و روش جنید را از آغاز جلوسش بر مسند ارشاد طریقت متفاوت با سیره مشایخ گذشته صفوی دانسته‌اند (فضل‌الله، ۲۵۹-۲۶۰) و برخی حتی او را «به معنی بر مسند دین‌پناهی و به صورت بر تختگاه پادشاهی» نشسته، تصویر کرده‌اند (امینی، ۳۵-۳۶). از همین رو برخی از نخستین مؤلفان دوره صفوی، آغاز سلطنت صفویه را در زمان شیخ جنید دانسته‌اند (قزوینی، ۲۳۸؛ نیز نک: غفاری، ۲۶۱). دوره استقرار شیخ جنید بر مسند ارشاد در اردبیل چندان